

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بن – المان ، دسمیر ۱۹۹۴

شکار افعی

این شعر در دوران بیدادگری و خون ریزی تنظیم ها در کابل، سروده شده است :

تا مشربم ندانند ، دستار می زخم
نکتائی و دریشی بود رسم کافران
در سر پکول می نهم از بهر افتخار
باشیوه دگر همه جا جلوه می کنم
تا شهره شد به نام مجاهد مقام من
آخر کشید کار به دولتمداری ام
دارم تلاش تا همه رقصد به ساز من
دیوانه نیستم که دهم از کف این مقام
هرمال اگر بدست رسد چور می کنم
رسوائی ام به کوچه و بازار سرکشید
بنیاد اتفاق به تحریک دشمنان
از نام ارگ تا به دم مرگ نگذرم
تا گندم امید فگندم در آسیاب
در آسیاب قهر و غضب شهروقریه را
تا خوب تر به باد رود خاک مملکت
پرسند اگرکه شهر زقهرت خراب شد
گویند تیره بختی مردم ز حد گذشت
این نیز حکمتیست که با خدعه و فریب
بی سر فتاده قافلۀ زندگانی ام

هم ریش می گذارم و چلتار می زخم
تن در غلاف کشته و ایزار می زخم
با افتخار دست به کشتار می زخم
در چشم دشمنان ز حسد خار می زخم
من خود قدم به شیوه اشرار می زخم
این لقمه را ز طالع بیدار می زخم
خوش نغمه ای به پرده مضمار می زخم
هر کس مخالف است به تلوار می زخم
هر سر که زیب تن نبود دار می زخم
آتش دگر به کوچه و بازار می زخم
برهم به نفع غیر به صد بار می زخم
در ارگ بوسه بر در و دیوار می زخم
چار آسیاب طاس شش و چار می زخم
می کوبم و چو گرد به دیوار می زخم
راکت به صبح و شام و شب تار می زخم
خود را دگر به کوچۀ انکار می زخم
خوش بخت من که راکت بسیار می زخم
زخم زبان به هموطن و یار می زخم
بانگی به یاد قافله سالار می زخم

با شعر تر ز تیرکش طعن و لعن «اسیر»

افعی شکار می کــنم و مار می زخم